

DICHTERPFLÄNZCHEN e.V. – DIALOG der KULTUREN (neu in 2010)
„Wir sind zwei Stimmen einer Melodie!“

اما دو صدا برای یک آهنگیم!
اقبال به گفتگوی گوته و مولانا در آسمان گوش می‌دهد

آشنایی گوته با غزلیات حافظ شاعر بزرگ ایرانی، چنان شور و شوقی در دل گوته به وجود آورد که او را بر آن داشت تا «دیوان شرقی - غربی» را به شیوه او بسراید. اتفاق خوشایندی است که گوته توانست بوسیله ی «دیوان شرقی - غربی» خود پلی برای گفتگوی فرهنگی میان شرق و غرب بوجود آورد. پلی که محمد اقبال شاعر و فیلسوف پاکستانی از آن می‌گذرد و دیوان «پیام شرق» خود را در پاسخ به گوته می‌سراید. محمد اقبال گفتگویی را که گوته میان شرق و غرب آغاز کرده بود، به گونه ای شاعرانه و بی‌نظیر پاسخ می‌دهد.

وقتی گوته شیفتگی خود به اشعار حافظ را به خواننده‌ی غربی نشان می‌دهد، نظر او را به سوی اندیشمندان شرقی جلب می‌کند. همچنین وقتی محمد اقبال شاعر و فیلسوفی که بخوبی با ادبیات غرب آشنایی دارد و نشانه‌های خاص هندی و اسلامی در آثارش آشکار است، در جواب «دیوان شرقی - غربی» گوته، دیوان «پیام شرق» خود را منتشر می‌کند، این صراحت شرقی، خواننده‌ی غربی را متعجب می‌سازد.

فرایندی که بوسیله ی شعر میان گوته و اقبال شکل گرفت، برای خواننده‌ی غربی و شرقی دارای جذابیتی بود که توانست تا امروز پویا باقی بماند. گفتگوی این دو شخصیت ادبی با وجود تفاوت اجتماعی و فاصله ی تاریخی که از هم دارند یکی از برجسته ترین محورهای پژوهشی در تبادل فرهنگ و اندیشه میان شرق و غرب می‌باشد و حتی می‌تواند نمونه ی قابل اهمیتی در شرایط امروز نیز باشد.

در سال ۱۸۱۴ گوته برای نخستین بار ترجمه ای از دیوان غزلیات حافظ را برای مطالعه بدست می‌گیرد و دو سال بعد مجموعه ی «دیوان شرقی - غربی» خود را تحت تاثیر حافظ می‌سراید.
در سال ۱۹۲۳ محمد اقبال در پاسخ به دیوان گوته، دیوان «پیام شرق» را به زبان فارسی منتشر می‌کند.
در سال ۱۹۵۴ آه ماری شیمل هنگام تدریس در دانشگاه آنکارا «پیام شرق» را همزمان به ترکی و آلمانی ترجمه می‌کند.
در سال ۲۰۱۰ Dichterpflänzchen در این باره حکایت می‌کند.

اما دو صدا برای یک آهنگیم!

اقبال به گفتگوی گوته و مولانا در آسمان گوش می‌دهد

این عنوان انتخاب مناسبی است به منظور بزرگداشت یوهان ولفگانگ گوته، محمد اقبال و خانم آه ماری شیمل که گفتگوی فرهنگی شعر گوته ای که میان آنها انجام گرفته است.
در این برنامه؛ «حافظ» کسی که گوته را تحت تاثیر قرار داده و «مولانا جلال‌الدین رومی» کسی که اقبال لاهوری مریدش بوده نیز معرفی خواهند شد.

اکنون از زبان اقبال گفتگوی مولانا جلال‌الدین رومی و گوته را در آسمان بشنویم. آیا شنیدن این گفتگو از زبان اقبال روح‌نواز و تحسین برانگیز نیست؟ برآستی که بازگویی این حکایت مناسب Dichterpflänzchen است!
یکی از اشعاری که خانم آه ماری شیمل به آلمانی ترجمه کرده است؛

جلال و گوته

فکر تو در گنج دل خلوت گزید
این جهان کهنه را باز آفرید
سوز و ساز جان به پیکر دیده‌ای
در صدف تعمیر گوهر دیده‌ای
هر کسی از رمز عشق آگاه نیست
هر کسی شایان این درگاه نیست
داند آن کو نیک‌بخت و محرم است
زیرکی ز ابلیس و عشق از آدم است

نکته‌دانن. آلمانی را در ارم
صبحتی افتاد با پیر عجم
شاعری کو همچو آن عالی‌جناب
نیست پیغمبر، ولی دارد کتاب
خواند بر دانای اسرار قدیم
قصه پیمان ابلیس و حکیم
گفت رومی: ای سخن را جان نگار
تو ملک صید استی و یزدان شکار